

## کتابخانه های ایران در دوره تیموریان

اثر: دکتر عباس کی منش

از: دانشگاه علوم پزشکی ایران

چکیده :

کتاب و کتابخانه در بررسی قلمرو اندیشه و آثار ذوقی و هنجارهای علمی و فرهنگی، ملاک اصالت تمدن هر ملت تواند بود و پایه استوار فرهنگ او، بدانگونه که سیر تکاملی تمدن هر قوم را بدان باز توان شناخت. اگر به پیشینه پیدایش تمدن ملت ها در نگریم، در می یابیم که پژوهش در کار کتاب و کتابخانه بر هر چیز تقدم دارد. چه استمرار خط سیر ذوقی و فرهنگی ملتها را بدان باز شناساند. در تمام حوزه جغرافیایی زبان فارسی از خراسان تا آذربایجان و فارس، و از ماوراء النهر (ازبکستان و تاجیکستان) تا شبه قاره هند و پاکستان و بنگلادش) کتاب و کتابخانه به صورت یک مرزبندی علمی و فکری در فراسوی مرزبندی حکومت ها نقشی حساس و اثر بخش داشته است. و بیگمان باید گفت همه نوع جنبشهای اصلاح طلبانه در زمینه های مسایل اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، علمی و ذوقی جهان از بستر کتاب، یعنی کتابخانه آغاز شده است. آنچنانکه پژوهشگران استمرار طبیعی و تاریخی فرهنگ ملتها را با کتاب و کتابخانه ارزیابی توانند کرد. از این رو سخن خود را در این مقاله به بحث در موضوع کتابخانه های ایران در دوره حکومت تیموریان منحصر کرده و حضور مداوم و نفوذ معنوی و اهمیت ناپیدا کران کتاب و کتابخانه را در ترازوی سنجش فکری در یک تحلیل کوتاه در بوته ارزیابی قرار می دهیم.

\*\*\*\*\*

برخی از دانشمندان بر این باورند که قرن نهم، آخرین دوره مهم ادبیات ایران

بوده و گفته‌اند که پس از آن دوره‌ای به این درجه از اهمیت در تاریخ فرهنگ ایران پیدا نشده است، و پس از آن ادب و فرهنگ ایرانی راه تنزل و انحطاط پیش گرفته و اگر ادوار تجدید و احیایی هم روی نموده باشد بسیار کوتاه بوده است. افزون بر آن، این قرن را از چشم انداز کثرت شعراء و نویسندگان و جنبشهای ادبی و فکری گوناگون یکی از مهمترین دوره های فرهنگ ایران دانسته و گفته اند سرزمینهای زیر نفوذ زبان فارسی از غنای اندیشه ایرانی پُر بوده است. شاید سبب عمده غنای فرهنگی ایران در قرن نهم این بوده باشد که در این دوره بعد از حمله های تیمور حوادث سخت و انقلابهای مرگبار که مایه از میان رفتن آثار علمی و ادبی و سلب توجه مردم از ادبیات و برهم زدن آسایش مردم شده باشد رخ نداده است، و مردم در سایه آسایش و امنیت نسبی به ضبط و نگاهداری آثار علمی، ادبی و فرهنگی بیش از پیش همت گمارده‌اند.

اگر کشورگشایی امیر تیمور گورکان و عواقب مترتب بر آن، بر ایرانیان گران آمده است نتیجه آن پدید آمدن آثار علمی و ذوقی و هنری و ادبی است که با ولایتداری فرزندان او در حوزه زبان فارسی پیدا شده است. چه با تأسیس مراکز علمی، دارالشفاء، مدرسه، کتابخانه و حمام تجدید بنایی در فرهنگ اسلامی و ایرانی روی داده است.

از آنجا که فرزندان و بازماندگان امیر تیمور، زیر دست آموزگاران ایرانی با آئین ایرانی پرورده شده اند، علاقه آنان نسبت به علوم و ادبیات ایران و زبان فارسی و هنرهای ویژه ایرانی تا بدان اندازه بوده که بسیاری از خرابیهای امیر تیمور را جبران کرده است. و افزون بر آن نوشته اند که امیر تیمور با همه روح تخریب و نابودی که داشت علاقه شگفت آوری در حفظ و نگاهداری آثار نفیس هنری نشان داده، بدان گونه که بر آن بوده است، سمرقند را یکی از زیباترین شهرهای جهان سازد. از این جهت هر جا را که می‌گشود دانشمندان و صاحبان صنعت و حرفه را از آن جا به سمرقند گسیل می‌داشت.

این توجه به هر منظور که بوده باشد، خواه ذاتی و یا اکتسابی براهمیت شهر سمرقند افزوده و نتیجه بزرگتری که از آن حاصل ایرانیان گشته این است که فرزندان تیمور را از حامیان دلسوز فرهنگ و هنر ایرانی گردانیده است. چه در این دوره مکتبهای تازه‌ای در هنر و ادب ایرانی گشوده شده که شکوهش بسیار خیره کننده است و شایان مطالعه.

با پدید آمدن محیط مساعدی چون سمرقند فرزندان و جانشینان او از بزرگترین مشوقان طالبان علم و هنر و صنعت گشته با ترغیب آنان مکتب تازه‌ای در عرفان و ادب، معماری، خط، تذهیب، نقاشی، کاشی سازی، صحافی و سایر فنون ظریفه گشوده شد که این مکتب نوآیین تأسیس کتابخانه را الزامی می نمود که شرح آن به وضوح گفته خواهد آمد.

### کتابخانه شاهرخ:

شاهرخ، چهارمین فرزند امیر تیمور در روز پنج شنبه چهاردهم ربیع الاخر سنه ۷۹۹ هـ ق چشم به جهان گشود و در سن بیست سالگی، یعنی در سال ۷۷۹ هـ ق ولایتدار خراسان شد، و در حدود سی و هشت سالگی یعنی در سال مرگ تیمور «۸۰۷ هـ ق» پادشاهی بود نیرومند، چنانکه سکه به نام خود زد. وی در سال ۸۵۰ هـ ق در شهری چشم از جهان فرو بست.

دربارش مجمع علماء، ادبا، شعرا و موسیقیدانانی چون عبدالقادر مراغه‌ای و آوازخوانانی چون یوسف اندکانی و هنرمندانی چون قوام الدین معمار و مولانا خلیل نقاش بود.

شاهرخ در سال ۸۱۳ هـ ق مدرسه شاهرخیه هرات را در برابر قلعه معروف اختیارالدین بنا کرد و بر این مدرسه کتابخانه بزرگی همراه با کتب بسیار نفیس وقف داشت و دانشمندانی چون محیی الدین غزالی توسی، یوسف اوبهی و ناصرالدین لطف الله را به تدریس و تحقیق در آن مدرسه فرا خواند و خواجه علاء الدین

چستی را سرپرستی آن مدرسه داد و خازن کتابخانه اش نمود و کتابخانه را مزین به انواع کتب و نیز آراسته به قرآنهایی به خط نسخ و نستعلیق گردانید. براین کتابخانه املاک فراوان وقف کرد، تا حقوق استادان و اهل تحقیق و کارمندان و کارکنان و کتابداران از محل عواید آن تأمین و تأدیه شود.<sup>(۱)</sup> بدین گونه شاهرخ توانست هرات را مرکز فرهنگ آسیا قرار دهد، و چون نسبت به خاندانش علاقه بسیار داشت، بر آن شد که وقایع نگاران، تاریخ سلطنت پدرش را به زبان پارسی در قلم آرند. از این نظر قرن نهم را همانند دوران مغول آراسته به وجود مورّخانی می‌بینیم که تألیفات ارزشمند آنان بر تارک آن می‌درخشد.

شاهرخ میرزا از میان پسران تیمور بیش از همه به ادبیات و فرهنگ ایران دل‌بستگی داشت. به ویژه که بیشتر از همگان شیفته تاریخ بود و بدین لحاظ بسیاری از تاریخ نگاران را به نگارش کتابهای سودمند برانگیخت و آنان را در دارالسلطنه هرات کتابخانه ای بزرگ آراسته به انواع کتب در زمینه‌های گوناگون ارزانی داشت. در میان خطاطان چابک‌دست دربار شاهرخ، مولانا معروف هروی رانیز می‌توان دید که نه تنها از خوشنویسان دستگاه او بوده بلکه در دربار بایسنقر میرزا نیز حرمتی تمام داشت. وی چندگاهی سمت کتابداری کتابخانه شاهرخ را در هرات برعهده گرفت.<sup>(۲)</sup>

### کتابخانه بایسنقر:

غیاث الدین بایسنقر، پسر شاهرخ و نوه امیر تیمور گورکان با انجام یکی دو مأموریت در تبریز و استرآباد، چون جوانی با ذوق و هنرمند و دوستدار ادب و در عین حال بسیار خوشگذران بود، از کارهای پادشاهانه کناره جست و عمر به جمع آوری کتب و نشست و برخاست با هنری مردان و شاعران و ادیبان گذراند، و دربارش را مجمع موسیقیدانان، نقاشان، خطاطان، مذهبیان، صحافان و فاضلان و سخنوران کرد. چه این هنرمندان از عراق، فارس و آذربایجان و دیگر بلاد به دربار وی روی می‌آوردند.

او در خط استاد بود و رقم استادانه او بر طاق و پیرامون سردر مسجد گوهر شاد مشهد، آراسته به آیاتی از قرآن مجید نشانه کمال هنرمندی است و هم اوست که حماسه بزرگ ایرانی یعنی شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی را جمع آوری کرده، دستور داد تا مقدمه‌ای بر آن نویسند و از آن شاهنامه بایسنقری را فراهم آورند.

بایسنقر دارالصنایع هرات را برای کتابخانه خود بنیاد نهاد و هرات را مجمعی از دانشمندان، ادیبان، هنرمندان و خوشنویسان ساخت تا برای کتابخانه عظیم و پربرهای او آثار نفیس فراهم آرند. بدین روی کتابهای ارزنده‌ای به خط ثلث، نسخ و نستعلیق نوشته آمد، که از آن جمله است: نسخه‌هایی از گلستان سعدی که به خط یاقوت مستعصمی خطاط معروف نوشته شده است.

این نسخه‌های زیبا به تذهیب و مجالس زینت یافته و با تجلید نفیس به صورت مجموعه‌ای از هنر درآمده است و با این ترتیب هنر نقاشی و تذهیب و تجلید و خطاطی در ایران به اوج رسیده و مکتب هنری هرات که از درخشانترین مکتبهای هنر ایرانی است اساس نهاده شده است.<sup>(۳)</sup>

کتابخانه عظیم بایسنقر یکی از پربهاترین کتابخانه‌هایی است که در طول تاریخ ایران بنیاد شده است و تنها نظیر آن، کتابخانه سلطان حسین میرزا (بایقرا) است.

نسخه‌های نفیسی که از کتابخانه بایسنقر بجای مانده بهترین نمودار ترقی و تکامل فن کتاب سازی و هنر تجلید و تذهیب و نقاشی در ایران به شمار تواند آمد. در کتابخانه‌های ایران نسخه‌های گرانبگری از کتابخانه بایسنقر و شاهرخ محفوظ و مضبوط است که از دیدگاه ارزش هنری، فراتر از هر قیمتی است که بر آن نهند. چنانکه در کتابخانه حاج محمد نخجوانی تبریز جنگی نفیس به خط مولانا اظهر تبریزی از شاگردان کمال الدین جعفر، خطاط شهیر بجای مانده است. این جنگی حاوی اشعاری است که خطاطان کتابخانه بایسنقر میرزا پس از درگذشت ناگهانی این شاهزاده فضل دوست و هنرپرور در سال ۸۳۷ در قلم آورده و به عنوان تسلیت نامه به حضور شاهزاده بهادرخان پیشکش داشته‌اند.

عبدالرزاق سمرقندی نوشته است که چهل نفر کاتب از جمله مولانا ظهیرالدین اظهر، شهاب‌الدین عبدالله، جلال‌الدین شیخ محمود، شمس‌الدین هروی، آصفی هروی، واحدی، در کتابخانه بی نظیر میرزا بایسنقر به کار کتابت و استنساخ نسخه‌های نادر سرگرم بودند.<sup>(۴)</sup> و نیز کسانی چون مولانا منشی، مولانا محمد جرده، مولانا زاهدی، مولانا زین‌الدین، مولانا ولی، مولانا جلال کرمانی و امیر جلال‌الدین یوسف متخلص به امیری در سلک خوشنویسان و شاعران و صاحب‌نظران کتابخانه بایسنقری نام برآورده‌اند.

رئیس کتابخانه بایسنقری کمال‌الدین جعفر تبریزی مشهور به جعفر بایسنقری از خوشنویسان معروف قرن نهم هجری است. وی در نوشتن همه خطوط هنرمندی نموده، اما خط نسخ و نستعلیق را بهتر از همه معاصران خود نوشته است.<sup>(۵)</sup>

میرزا بایسنقر مؤسس و بنیانگذار زیباترین مکتب کتاب نویسی در ایران است. بایسنقر میرزا با پرداخت دستمزدهای فراوان و اعطای جوایز ارزنده هنرمندترین استادان خط و تذهیب و صحافی را در دستگاه خود گرد آورده و آنان را برای پدید آوردن ظریف‌ترین آثار هنری بکار گمارده و به نیکوترین وجهی می‌نواخته است.

کتابهای کتابخانه وسیع این شاهزاده هم اکنون در تمام کتابخانه‌های جهان پراکنده است و هر جا که هست به کمال حرمت و دقت نگریسته می‌شود.<sup>(۶)</sup>

### کتابخانه الغ بیک:

میرزا الغ بیک بزرگترین فرزند شاهرخ در ۱۲ صفر سال ۷۹۶ ه.ق، در نزدیکی قزوین چشم بجهان گشود. هنوز ۱۶ ساله بود که بسال ۸۱۲ ه.ق، پدر، وی را به حکومت ماوراءالنهر برداشت و وی سمرقند را به پایتختی برگزید.

الغ بیک را مانند پدر و برادرش بایسنقر علاقه فراوان به هنر و ادبیات داشت و نیز عشق فراوان به علوم ریاضی و نجوم. چنانچه بیشتر اوقات خود را به مطالعه

امور فلکی و رصد آسمانها می‌گذرانید. و به دستور او بود که به سال ۸۲۴ هـ ق، جمعی از علمای نجوم ایران به سرپرستی مولانا معین الدین کاشانی در سمرقند رصد خانه معروف به زیج الغ بیکی یا زیج جدید سلطانی را بر پا داشتند. جداول این رصد خانه را چهار نفر از دانشمندان نجوم آن عصر یعنی صلاح الدین موسی معروف به قاضی زاده رومی، علاء الدین علی قوشچی، غیاث الدین جمشید کاشانی و نیز معین الدین کاشانی طرح افکندند. و رصدی بستند که به زیج ایلخانی شهرت یافته است.<sup>(۷)</sup>

الغ بیک مدرسه‌ای بزرگ برای طالبان علم در رشته‌های گوناگون در سمرقند بنیاد نهاد و بر آن کتابخانه‌ای عظیم وقف داشت و نیز خانقاهی در آن شهر برپا کرد و مزارع بسیار و مستغلات فراوان بر این رصد خانه و مدرسه و خانقاه اختصاص داد که از محل عواید آن به کارمندان مواجب پرداخت می‌شد.

الغ بیک نه تنها در سمرقند بلکه در دیگر شهرهای ماوراءالنهر مدارس، خوانق، صوامع، مساجد و بقاع خیر ساخت و تکریم و تعظیم علما و فضلاء را بر خود لازم دید و بر هر یک از این مراکز تعلیم کتابخانه ای آراسته به انواع کتاب وقف کرد.<sup>(۸)</sup>

الغ بیک مدرسه‌ای بزرگ همراه با کتابخانه ای وسیع بر سر چارسوق شهر بخارا بنا نمود که هر روز طالبان علم گروه‌ها گروه بدان کتابخانه آمد و شد داشتند و از کتابهای نفیس آن سود می‌جستند.<sup>(۹)</sup>

نام‌الغ بیک که خود در رصد ستارگان دستی توانا یافته بود و در ترویج علم و دانش و تشویق از صاحبان ذوق و در تربیت اکابر و امثال علم نجوم عمر مقصور داشته بود برای همیشه به عنوان مؤلف جداول نجومی در تاریخ علم نجوم ثبت گشت.<sup>(۱۰)</sup>

### کتابخانه خلیل سلطان:

خلیل سلطان نه تنها حامی شعرا و نویسندگان و هنرمندان و اهل ذوق و حرفه بود بلکه خود نیز شعر نیکو می‌گفت و نمونه هایی از اشعارش را در تذکرة الشعراء

دولت‌شاه سمرقندی توان جست.

این شاهزاده تیموری را مانند دیگر شاهزادگان آن سلسله علاقه فراوان به جمع آوری کتاب و تشکیل کتابخانه بود. چنانکه در تاشکند کتابخانه ای مزین به انواع کتب اعم از کتب ادب، تاریخ، نجوم، پزشکی، داروسازی، جغرافیا، و بسیاری از علوم دیگر برپا داشت و نسبت به اهل علم و طالبان ذوق به رفق و مدارا عمل می‌کرد و آنان را از پادشاهی فراوان خود برخوردار می‌ساخت.

وجود این کتابخانه در تاشکند و تشویق و ترغیب او نسبت به دانشمندان مایه رونق این شهر گردید. چه علماء و فضلاء به منظور استفاده از کتابخانه وسیع و ارزشمند تاشکند بدان دیار آمده، این شهر را مجمع علم و علما ساختند و این خود سبب بنیاد کردن کتابخانه های دیگر در آن سرزمین شد و این شهر را نسبت به دیگر شهرها مرکزیت علمی داد.

### کتابخانه پیر محمد بن عمر شیخ:

میرزا پیر محمد بن عمر شیخ شاهزاده تیموری که از جانب امیر تیمور حکومت فارس داشت به مانند برادرزادگانش به کتاب و کتابخانه علاقه فراوان نشان می‌داد. بدین روی در شیراز کتابخانه‌ای بنیاد نهاد که در آن روزگار در حوزه فارس همانند نداشت و خطاطان، نقاشان و تذهیب کاران را بر آن داشت که به رقابت و همچشمی با دربارهای دیگر شاهزادگان تیموری به استنساخ و تحریر و تنظیم و تدوین کتابهای ارزنده بپردازند. این رقابت سبب آمد که هنر نقاشی و کتاب سازی در فارس روی به ترقی نهد. و مکتب هنری جدیدی که آمیزه‌ای از نقاشی و کتابسازی هرات و عراق بود در فارس بوجود آید و مکتب شیراز را پدید آورد. از اهمیت کتابخانه پیرمحمد این بس که در بسیاری از کتابخانه‌های با شکوه جهان کتب ارزنده‌ای از آن توان یافت. علاوه بر این کتابخانه وسیع، کتابخانه‌ای نیز به مسجد جامع عتیق شیراز منضم ساخت.<sup>(۱۱)</sup>

## کتابخانه سلطان حسین میرزا بایقرا:

حسین بن امیر منصور بن بایقرا بن عمر شیخ بن تیمور گورکانی مکنی به ابوالغازی که در محرم ۸۴۲ هـ ق در هرات چشم به جهان گشوده است یکی از مشهورترین ولایتداران تیموری بوده و از آخرین پادشاهان مقتدر این طایفه که حکومت خراسان و ماوراءالنهر یافته است.

سلطان حسین میرزا بایقرا، گروهی از خوشنویسان نامدار ایران را که بیشتر آنان دست پرورده او و یا وزیر با تدبیرش امیر علیشیر نوایی بودند گرد آورده بود و ایشان مأموریت داشتند که روز و شب به نگارش و استنساخ نسخه های بدیع برای کتابخانه سلطان، عمر گذارند. بذل عنایت او به زیبایی خط، سبب آمد که گروه بیشماری از خوشنویسان پیدا آیند و خط فارسی را، چه نستعلیق و چه نسخ، به زیباترین صورت در جلوه آرند.<sup>(۱۲)</sup>

از جمله این خوشنویسان سلطان علی مشهدی است که به زیبایی صورت و محاسن سیرت موصوف بود و در خط نستعلیق و نسخ آن مقدار مهارت حاصل نمود که خطوط استادان متقدم را منسوخ ساخت و در زمان سلطان حسین بایقرا همواره به اشارت او و التماس علیشیر به کتابت می پرداخت.

دیگر از خوشنویسانی که در کتابخانه سلطان حسین میرزا به کتابت سرگرم بودند سلطان محمد نور، خواجه عبدالله مروارید، کمال الدین حسین گازرگاهی، کمال الدین محمود رفیعی، حاج محمد نقاش را باید نام برد. و از میان نقاشان چیره دست نیز ذکر نام جلال الدین یوسف نقاش، شاه مظفر نقاش، حاج محمد تقی نقاش، ملایاری نقاش، منصور مذهب نقاش لازم به نظر می رسد.

سلطان حسین برای آن که کتابهای کتابخانه سلطانی با هنر نقاشی تزیین گردد گروه کثیری از این دسته هنری مردان را در دستگاه خود پرورش می داد تا برای کتابهایی که همه به خطوط خوشنویسان تحریر می شد مجالس زیبایی را به تناسب نقاشی کنند. و این کار به دست توانای چابکدست زمان استاد کمال الدین بهزاد

صورت می پذیرفت.

سلطان حسین بایقرا به سبب علاقه فراوانی که به کتابت و کتاب و هنر و هنرمندان داشت استاد کمال‌الدین بهزاد را بعنوان خازن (رئیس) کتابخانه عظیم خود برگزید تا گذشته از این که در پرداختن و ساختن مجلس های نقاشی برای کتابخانه سلطانی مشغول گردد در کار هنرمندان و مجلدان و مذهبان نیز سرپرستی کند. از این روی گاهی تا چهل نفر هنرمند در رشته های گونه گون در کارگاههای کتاب سازی کتابخانه سلطانی تحت نظارت کمال‌الدین بهزاد بکار سرگرم بودند. فرمان کتابداری استاد بهزاد را غیاث‌الدین میرخواند مولف حبيب السیر در کتاب «نامه نامی» خود ثبت کرده است.

سلطان حسین با بنیاد کردن این کتابخانه وسیع و با عظمت و مدرسه ای که در هرات اساس نهاد بود، توانست نزدیک به ده هزار طالب علم را با هزینه دربار در آن مدرسه به تحصیل وادارد و به استفاده از آن کتابخانه ملزم کند. به نام این سلطان تیموری مورخان کتابها نوشته و شاعران اشعار فراوان سروده‌اند.<sup>(۱۳)</sup>

### کتابخانه امیر نظام الدین علیشیر نوایی:

امیر علیشیر نوایی جغتایی ملقب به نظام الدین در ۱۷ رمضان ۸۴۴ ه.ق. چشم به جهان گشود و در ۱۲ جمادی الثانی ۹۰۶ ه.ق. درگذشت. در خردسالی با سلطان حسین میرزا بایقرا همدرس بود و هم مدرسه و با هم عهد و پیمان بسته بودند که هر کدام به سلطنت رسد از حال دیگری تفقد نموده فراموشش نکند. نوایی از آن پس به منظور تحصیل معارف و کمالات، خراسان و سمرقند و بسیاری دیگر از شهرها را سیاحت کرد چنانکه در سمرقند در مدرسه خواجه فضل‌الله ابواللیثی به تحصیل علوم پرداخت و در آن میان به تنگدستی گرفتار آمد. در این هنگام سلطان حسین میرزا در هرات به سلطنت نشست و به حکم پیمان قدیم، امیر علیشیر را از سمرقند فراخواند و منصب مهرباری را به وی واگذار کرد و اندکی پس از آن مقام صدارت را

بدو مفوض داشت و با این ترتیب بزرگی مقامش بدان جا رسید که هر یک از برادران و فرزندان سلطان، ملازمت او را مایه شرف و افتخار خود می دانستند و سلطان نیز بی مشاورت او اقدام به هیچ کاری نمی کرد.

امیر علیشیر از بزرگ زادگان خاندان جغتای بن چنگیزخان حاکم ماوراء النهر و کاشغر و بلخ و بدخشان بود.<sup>(۱۴)</sup>

در شرح احوال او آمده است که سیصد و هفتاد مسجد و مدرسه و خانقاه و کتابخانه بنیاد نهاده است.

این وزیر دانشمند شیفته و دلباخته کتاب بود. از این روی کتابخانه ای در هرات فراهم آورده بود آراسته به انواع کتب در هر زمینه و بابی. و گذشته از جمع آوری نسخه های نایاب، نسخه هایی نیز خطاطان نامداری چون سلطانعلی مشهدی و محمد نور و خواجه عبدالله مروارید و امثال آنان برای کتابخانه اش تحریر می کردند. بنابراین کتابخانه نفیس او از کتب گرانبها فراوان در مخازن خود داشت.

امیر علیشیر به منظور اداره کتابخانه ارزشمند و وسیع و پربهای خود دانشمندی گران سنگ بنام حاج محمد ذوفنون را منصب کتابداری داده بود که وی هم نقاش بود و هم مذهب و خطاط.

ذوفنون سالی چند رئیس کتابخانه امیر علیشیر نوایی بوده و کمر به خدمات ارزنده ای بسته است، علاوه بر این کتابخانه بزرگ که جنبه عمومی داشت برای کلیه مدارس و خانقاهها و مساجد کتابخانه ای ذیقیمت فراهم کرده بود. و هر یک از دانشمندانی را که از کتابخانه او استفاده می کردند از مقرری ماهانه بی نصیب نمی گذاشت.<sup>(۱۵)</sup>

### کتابخانه مولانا عبدالرحمن جامی:

مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی فرزند نظام الدین احمد بن شمس الدین محمد دشتی اصفهانی است و از سوی مادر نژادش به امام محمد بن حسن شیبانی

متوفی بسال ۱۸۹ ه‍.ق که یکی از بزرگان علمای مذهب حنفی است می‌کشد. خاندان جامی از محله دشت اصفهان به ولایت جام مهاجرت کرده بودند و پدر و جدش در این شهر منصب قضاوت و فتوی داشتند و او خود در شامگاهان ۲۳ شعبان سال ۸۱۷ ه‍.ق در خرگرد (= خرگرد) از نواحی ولایت جام پای بدین جهان نهاد.

نخست «دستی» تخلص می‌کرد و بعدها به علت آن که ولادتش در ولایت جام بود و هم نسبت به شیخ السلام احمد جام زنده پیل ارادت می‌ورزید، جامی را به تخلص برداشت.

جامی در هرات کتابخانه‌ای بنیاد نهاد که سرپرستی این کتابخانه را به خواهرزاده‌اش که یکی از خوشنویسان معروف آن روزگار بود یعنی محمد نور داد و خوشنویسانی چون سلطانعلی مشهدی و سلطان محمد خندان برای او نسخه‌های زیبایی می‌نوشتند. بویژه که محمد نور آثار او را به خط زیبای خود می‌نوشت و به پادشاهان ایران و عثمانی و هند که طالب آثارش بودند اهداء می‌کرد. کتابخانه جامی یکی از کتابخانه‌های بزرگ ایران در طول حیات فرهنگی این کشور دیرینه سال است در این کتابخانه انواع کتب در زمینه‌های مختلف وجود داشت. جامی نه تنها به مولفان کتابخانه بلکه به کسانی که در این کتابخانه به تحقیق و پژوهش می‌پرداختند، مشاهره می‌داد. (۱۶)

### کتابخانه بدیع الزمان میرزا:

بدیع الزمان میرزا، فرزند سلطان حسین میرزا بایقرا که پس از پدر جانشینش گردید به دست شیبیک خان ازبک شکست خورد و چون قرار نتوانست گرفت پای فرار در پیش نهاد. چنانکه چندگاهی در ایران متواری بود و روزگاری هم در عثمانی. تا اینکه در سال ۹۲۰ ه‍.ق در این دیار درگذشت، اما در اثر محیط دانش پروری که پدرش در هرات فراهم آورده بود، او نیز به پدر تاسی جسته کتابخانه‌ای

عظیم در هرات ترتیب داد و نیز کتابخانه‌ای در استرآباد بنیاد نهاد که به داشتن کتابهای نفیس آن چنان آوازه برآورد که توانست محل اجتماع دانشمندان آن نواحی گردد.<sup>(۱۷)</sup>

وی در شعر دستی تمام داشت چنانکه صاحب مجالس النفائس ابیاتی از او نقل کرده است.

### کتابخانه فریدون حسین میرزا:

ابوالفتح فریدون حسین میرزا بن سلطان حسین میرزا بایقرا کتابخانه‌ای در هرات بنیاد نهاد که گروهی از دانشمندان چون ملاحسین واعظ کاشفی و معین الدین زمچی اسفزاری در آن جمع شده به تحقیق و تتبع می پرداختند علاوه بر آن کاتبان و خوشنویسان و نقاشان دربار سلطان حسین میرزا بایقرا را بر آن داشت تا برای کتابخانه‌اش نیز نسخه‌هایی بنویسند.

اگر چه از کتابخانه قابل اعتنای فریدون حسین میرزا در هرات اثری برجای نیست، لیکن تاریخ نگاران بر عظمت کتابخانه او گواهی داده نوشته‌اند که کتابخانه‌اش میعادگاه شاعران و نویسندگان و پژوهندگان بوده است.

### کتابخانه خواجه افضل الدین محمود بن ضیاء الدین محمد کرمانی:

خواجه افضل الدین محمود از بزرگان وزرای قرن نهم هجری بود و پیوسته مورد پشتیبانی امیر علیشیر نوایی.

خواجه افضل الدین در هرات مسجد جامع و مدرسه و خانقاه ساخته و بر هر یک از این سه بنگاه علمی مذهبی کتابخانه‌ای بزرگ وقف کرده بود. علاوه بر آن کتابخانه‌ای در خور نگرش در هرات بنیاد نهاد که با هزاران جلد کتاب میعادگاه شاعران و نویسندگان و عالمان و وقایع نگاران آن روزگار بوده است.<sup>(۱۸)</sup>

### کتابخانه گوهر شاد:

گوهر شاد بیگم همسر سلطان شاهرخ میرزا از زنان نامدار نیکوکاری است که در بسیاری از شهرها بناهای با عظمت بنیاد نهاده که از آن میان می توان از مسجد جامع، مدرسه و خانقاه شهر هرات و مسجد جامع مشهد مقدس رضوی یاد کرد. گوهر شاد بیگم بر مسجد مشهد مقدس رضوی کتابخانه ای آراسته به انواع کتب از هر دستی وقف داشته بود.

نکته قابل ذکر آنکه در مدرسه گوهرشاد هرات عده ای از اولیاء چون مولانا سوسنی (مومنی) و نیز مولانا کمال الدین مسعود، مجاور بودند و برکرسی تدریس تکیه داشتند و هر روز بیش از صد طالب علم از مجلس درس آنان سود می جستند.

### سازمان کتابخانه ها:

هر کتابخانه را کتابداری بود که کتابها و دیگر نفایس به او سپرده می شد. کتابداران از میان دانشمندان بزرگ و هنرمندانی چون استاد کمال الدین بهزاد برگزیده می شدند. در کتابخانه ها آیین چنان بود که کتابدار را معاونی برمی گزیدند از میان اندیشمندان تا در کارها مشاور او باشد.<sup>(۱۹)</sup>

غیر از کتابدار تنی چند از معتمدان شهر بعنوان وکیلی و مشرف در کتابخانه ها به خدمت اشتغال داشتند و دربانانی بر در کتابخانه ها گماشته می شدند تا تنها طالبان علم را اجازه ورود دهند. در کتابخانه های بزرگ وراقانی بودند، تا کتابهایی را که در کتابخانه نبود از کسانی که آن کتابها را در اختیار داشتند به امانت گیرند و نسخه برداری کنند. و صحافانی برای جلد کردن کتاب و نیز تذهیب کارانی برای تزئین و طلاکاری (زرکوبی) جلد کتابها در خدمت کتابخانه ها بودند.

در کتابخانه ها به دانش پژوهانی که برای مطالعه یا نسخه برداری می رفتند مشاھرہ پرداخت می کردند.

در مورد ترتیب قرار دادن کتاب در کتابخانه رسم چنان بود که صندوقهایی شبیه

قفسه های امروزی در کنار یکدیگر می چیدند و کتابها را بگونه ای منظم در آن قرار می دادند، به این شرح مثلاً در یک اتاق کتابهای عربی اعم از شعر و نثر و در اتاق دیگر کتب فقه و حدیث و نظائر آن.

گاهی کتابهای مربوط به علمی را با رنگ جلد کتاب مشخص می کردند. بدین نحو که جلد کلیه کتبی که به علم یا فنی تعلق داشت به رنگی معین در می آمد چنانکه جلد کتابهای مربوط به فلان علم، به رنگ سیاه و کتابهای مربوط به علم دیگر به رنگ سرخ و همانند آن.

نوشتن فهرست برای کتابهای کتابخانه امری بود مرسوم. گویا فهرست ها را به ترتیب موضوع کتابها تهیه می کردند. و این خود نشانه ای است از وسعت بینش و دریافت اجداد ما در روزگاری که بسیاری از کشورها در تاریکخانه جهل به گمراهی سر می کردند.

### پانویست‌ها:

- ۱ - معین الدین زمجی اسفزاری، روضات الجنات، ج ۱، ص ۵۵۴.
- ۲ - کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، کتابخانه طهوری، تهران ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۱۳۴.
- ۳ - ملک الشعراء بهار، سبک شناسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۷، ج ۳، ص ۱۹۰.
- ۴ - عبدالرزاق سمرقندی، مطلع السعدین، ج ۲، ص ۶۵۵.
- ۵ - سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، انتشارات فروغی سال ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۲۶ - ۳۴۹.
- ۶ - ادوار برون، از سعدی تا جامی ترجمه و حواشی علی اصغر حکمت، کتابخانه ابن سینا، سال ۱۳۳۹، ص ۵۵۵. رکن الدین همایون فرخ تاریخچه کتابخانه های ایران و کتابخانه های عمومی، ص ۶۲، بهار سبک شناسی، جلد ۳،

ص ۱۸۴.

۷- حبیب الله شاملوئی، تاریخ ایران، انتشارت صفی علیشاه، تهران ۱۳۴۷، ص ۵۵۸، و حبیب السیر، ج ۳، ص ۶۲۲.

۸- زین الدین محمود واصفی، بدایع الوقایع، تصحیح الکساندر بلدروف، انتشارت بنیاد فرهنگ ایران، ج ۱، ص ۳۸.

۹- همان مأخذ، ص ۱۶۴.

۱۰- روضة الصفا، ج ۶، ص ۷۰۸، حبیب السیر، ج ۳، ص ۶۳۱.

۱۱- ابن عربشاه، عجایب المقدور فی اخبار تیمور، ص ۲۰۷، ۲۴۴، ۲۶۹،

۲۷۵. حبیب السیر، ج ۳، ص ۴۵۳، ۴۵۴، ۵۲۰. تاریخچه کتابخانه‌های ایران رکن الدین همایون فرخ ص ۶۴، ظفرنامه ج ۲، ص ۲۱۳.

۱۲- برون، از سعدی تا جامی، ص ۵۴۶ و ۵۴۷.

۱۳- نامی نسخه کتابخانه ملی پاریس، به نقل از سید محمد کاظم امام مقدمه روضات الجنات، دانشگاه تهران ۱۳۳۸، ج ۱، ص ۱، ه و تاریخچه کتابخانه‌های ایران، ص ۶۷.

۱۴- ریحانة الادب، ج ۴، ص ۲۳۵، و مجمع الصفا، ج ۱، ص ۴۱ و قاموس الاعلام ج ۶ ص ۳۱۹۵ و تذکرة نصرآبادی ص ۴۷۰ و حبیب السیر ج ۴، ص ۱۳۷ و ۱۵۹ دستورالوزراء خواند میر ص ۳۹۷ و ۴۰۴.

۱۵- آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۹، ص ۸۰۴، مقدمه مجالس النفائس، ص ۲۴۴، تحفه سامی ۱۷۹، مرآة الخیال ۱۷۲، تاریخچه کتابخانه‌های ایران، ص ۶۹، ادب نامه ایران تألیف میرزا مقبول بیگ بدخشانی استاد کرسی ادبیات فارسی دانشکده دولتی لاهور، مؤسسه انتشارات دانگشاه لاهور، چاپ دوم، بدون تاریخ، ص ۵۷۷، با تشکر از آقای محمد شریف پاکستانی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران که کتاب را در اختیار نویسنده گذاشته‌اند.

۱۶- حسن پیرنیا مشیرالدوله، عباسی اقبال آشتیانی، تاریخ ایران، کتابفروشی

- 
- خیام، ص ۶۵۰، تاریخچه کتابخانه های ایران، ص ۶۹.
- ۱۷ - میرنظام‌الدین علیشیر نوائی، مجالس النفائس. ص ۱۲۷، و ملا عبدالنبی فخر الزمانی قزوینی، تذکره میخانه، به اهتمام استاد احمد گلچین معانی چاپ اقبال، ۱۳۶۲، ص ۱۱۴، و قاموس الاعلام ترکی ج ۲، ص ۱۲۵۷.
- ۱۸ - میرنظام‌الدین علیشیر نوائی، مجالس النفائس، ص ۱۱۹، ۲۹۶.
- ۱۹ - عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۷. ص ۴۶۳.

